

ژانویه
۲۰۲۶

قطعه‌نامه‌ی ۲۰۲۵ یونسکو پیرامون استوانه‌ی کوروش:
تداوم کاستی‌های پارادایم سنتی تاریخ‌نگاری حقوق بین‌الملل

آریز زرگاری



مقدمه¹

در ۶ نوامبر ۲۰۲۵، یونسکو در چهل و سومین کنفرانس عمومی خود در سمرقند، قطعنامه‌ای را تصویب کرد که متن حک شده بر روی استوانه‌ی کوروش- یک اثر باستانی مربوط به قرن ششم پیش از میلاد- را به عنوان منشوری حقوق بشری به رسمیت شناخت و به موجب آن از مدیرکل دعوت کرد تا اصول این منشور را در برنامه‌های آموزشی و فرهنگی یونسکو بگنجاند.¹ تصویب چنین قطعنامه‌ای ممکن است گامی مترقی در جهت دورشدن از اروپامحوری رویکرد سنتی به تاریخ‌نگاری حقوق بین‌الملل، به منظور افزایش «احترام جهانی به عدالت، حکومت قانون و حقوق بشر و آزادی‌های اساسی»² قلمداد شود. با این حال، این نوشتار کوتاه استدلال می‌کند که تکیه بر این رویکرد و روش‌شناسی آن در تصویب قطعنامه منجر به سه نقص جدی در رویکرد یونسکو به میراث شده است: ۱- کاربرد آن اکرونستی مفاهیم مدرن حقوق بشر در مورد آثار باستانی؛ ۲- ابزاری‌سازی دوران باستان توسط گفتمان‌های

¹ این مقاله در ۲ ژانویه ۲۰۲۶ ذیل عنوان « UNESCO's 2025 Cyrus Cylinder Resolution: Perpetuating the Shortcomings of the Traditional Paradigm of International Legal Historiography » در وبلاگ مجله‌ی اروپایی حقوق بین‌الملل منتشر شده است: [لینک مقاله به زبان انگلیسی](#)

انحصارگرایانه و تمامیت‌خواه؛ ۳- فرسایش بیشتر تدابیر حفاظتی که خود یونسکو در حوزه‌ی میراث فرهنگی ایجاد کرده است.

منشور کوروش در بستر تاریخی پیدایی آن

استوانه‌ی کوروش یک استوانه‌ای گلی به شکل بشکه است که متنی به خط میخی اکدی بر روی آن نگاشته شده است. گفته می‌شود این منشور در اکتبر ۵۳۹ پیش از میلاد، پس از فتح بابل توسط کوروش، بنیان‌گذار امپراطوری هخامنشی، و سرنگونی آخرین پادشاه آن، نبونیدوس، نوشته شده است. وفق منشور، نبونیدوس، آیین‌های خدایان بابل از جمله مردوک خدای شهر را منحرف و بر جمعیت آزاد آن کار اجباری تحمیل کرده بود. در بخشی از متن کتیبه که از زبان کوروش سخن می‌گوید، وی خود را پادشاه جهان و مورد تأیید مردوک معرفی و ادعا می‌کند که برای صلح در بابل تلاش، کار اجباری خلاف جایگاه اجتماعی ساکنان بابل را لغو، معابد آن‌ها را بازسازی، آیین‌های دینی‌شان را احیا و خدایان و مردمان تبعیدشده‌ی پیشین آن‌ها را بازگردانده و اسکان داده است.

به بیان مورخان، منشور کوروش به پیروی از یک رویه‌ی دیرین و رایج در میان پادشاهان بین‌النهرین صادر شده است.³ محتوای منشور کوروش نیز شباهت زیادی به اعلامیه‌های پیشین دارد و هیچ سیاست نوین یا متمایزی معرفی نمی‌کند.⁴ منشور کوروش در پیروی از این سنت دیرینه، یک سند تبلیغاتی اقناعی هخامنشی در راستای مشروعیت‌بخشیدن به حکومت حاکم جدید فارس در بابل قلمداد می‌شود.⁵ به بیان جوزف ویزهوفر، منشور «در چارچوب تضاد ایدئولوژیک میان پادشاه جدید و پادشاه پیشین جای می‌گیرد و بیش از آنکه درباره‌ی شخصیت کوروش چیزی بگوید، از تلاش‌های او برای مشروعیت‌بخشی و توانایی‌اش در بهره‌برداری از سنت‌ها و الگوهای محلی برای خدمت به اهداف خود سخن می‌گوید.»⁶ بدین‌سان، منشور هیچ‌بیش قابل‌اتکایی در مورد شخصیت یا اعتقادات کوروش ارائه نمی‌دهد. روی‌هم‌رفته، روایت‌ها و تفاسیر متناقضی در این خصوص وجود دارند؛ به‌گونه‌ای که «در برابر هر روایتی که از فضیلت و عدالت کوروش سخن می‌گوید، معمولاً نسخه‌ای مخالف و به‌مراتب کمتر تملق‌آمیز نیز وجود دارد.»⁷

بازنمایی منشور کوروش به عنوان منشوری حقوق بشری

تصویر کوروش به مثابه‌ی پیامبر انسان‌گرایی و استوانه‌ی او به عنوان سندی حقوق بشری، پدیده‌ای هم‌روزگار و مرهون تلاش و تاریخ‌نگاری ناسیونالیسم فارس از دوران پهلوی تا به امروز است. رژیم پهلوی از اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰، منشور کوروش را به مثابه‌ی «نخستین منشور حقوق بشری جهان» بازنمایی کرد. ترویج این روایت در دوران جمهوری اسلامی نیز، خاصه در سال‌های اخیر تداوم یافته است. در ۱۹۶۸، شاه در افتتاحیه‌ی کنفرانس حقوق بشر سازمان ملل متحد در تهران، منشور کوروش را پیش‌درآمد اسناد موضوعه‌ی حقوق بشر قلمداد کرد. متعاقباً در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله‌ی شاهنشاهی فارس در ۱۹۷۱، او استوانه‌ی اصلی کوروش را، با استقراض موقت از موزه‌ی بریتانیا، به مثابه‌ی نماد افتخار ملی به نمایش گذاشت و کوروش را پادشاهی بشردوست و آزادی‌بخش معرفی کرد. در ۱۴ اکتبر همان سال، اشرف پهلوی، خواهر شاه، با وصف میراث کوروش به مثابه‌ی میراث درک انسانی، رواداری، شفقت و آزادی^۸، ماکتی از استوانه را به نمایندگی از ایران، به دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، او تانت، اهدا کرد که متعاقباً متن آن توسط سازمان ملل متحد به شش زبان رسمی این نهاد ترجمه شد. شیرین عبادی نیز، در سخنرانی‌ای که پس از دریافت

جایزه‌ی صلح نوبل ۲۰۰۳ ایراد کرد، ضمن ستایش تسامح، انسان‌دوستی، خشونت‌گریزی و ... تمدن و فرهنگ ایران و کوروش، کتیبه‌ی وی را «یکی از مهمترین اسنادی که باید در تاریخ حقوق بشر مورد مطالعه قرار گیرد» معرفی کرد.^۹ استوانه‌ی کوروش برای بار دوم در تهران در ۲۰۱۰، با تبلیغ به‌عنوان «نخستین منشور حقوق بشر»، توسط جمهوری اسلامی به نمایش گذاشته شد. روی هم‌رفته، ناسیونالیسم فارس در خلال چندین دهه، حجم وسیع و فزاینده‌ای از ادبیات را برای ترویج و تثبیت این بازنمایی خاص و ایدئولوژیک از استوانه‌ی کوروش تولید کرده است.

تأثیر این گفتمان بر ادبیات سازمان ملل متحد از همان دهه‌ی ۱۹۷۰ پدیدار شد. او تانت، پس‌از دریافت استوانه، منشور کوروش را با تلاش‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در «مسائل مربوط به احترام به حقوق بشر در درگیری‌های مسلحانه» مرتبط دانست.^{۱۰} سازمان ملل متحد نیز استوانه را به‌مثابه‌ی «یک اعلامیه‌ی باستانی حقوق بشر»^{۱۱} و «یک اعلامیه‌ی مربوط به حفظ حقوق بشر در شهرهای اشغالی»^{۱۲} توصیف کرد؛ نیز اذعان داشت که استوانه احترام به کرامت انسانی و به‌رسمیت‌شناختن حقوق بشر را توصیه می‌کند.^{۱۳} در نهایت، یونسکو در ۶ نوامبر ۲۰۲۵، در جریان ۴۳مین کنفرانس

عمومی خود در سمرقند ازبکستان، با تصویب قطعنامه‌ای¹⁴ که پیش‌نویس آن توسط ایران و تاجیکستان ارائه شده بود¹⁵، استوانه‌ی کوروش (منشور حک شده بر استوانه‌ی کوروش) را به‌عنوان «یک منشور اولیه‌ی حقوق بشر و تنوع فرهنگی» به رسمیت شناخت.

آناکرونیسم و منطق اروپامحور خوانش یونسکو از استوانه

رویکرد یونسکو باید در چارچوب گسترده‌تر تاریخ‌نگاری حقوق بین‌الملل و سیاست‌های تاریخ حقوق بین‌الملل بررسی شود. تا چند دهه پیش، روایت غالب در این زمینه، مبتنی بر یک جهان‌بینی دولت‌محور و اروپامحور بود که با تکیه بر حال‌گرایی کارکردی، تاریخ حقوق بین‌الملل را به‌مثابه‌ی داستانی از پیشرفت اخلاقی و نهادی قالب‌بندی می‌کرد. با به‌چالش کشیده‌شدن جهت‌گیری‌ها و کاستی‌های روش‌شناختی این روایت و گسترش دامنه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی روش‌شناختی در تاریخ‌نگاری حقوق بین‌الملل در دهه‌های پسین، این روایت، به‌رغم ازدست‌دادن سلطه، کماکان تداوم دارد¹⁶. یکی از جلوه‌های چنین تداومی را می‌توان در رویکرد یونسکو مشاهده کرد. یونسکو در تصویب این قطعنامه با استفاده‌ی آناکرونیستی از تاریخ

برای تقویت جهان‌شمولی و در نتیجه مشروعیت و اقتدار ارزش‌ها، اصول و هنجارهای حقوق بین‌الملل ذیل یک رویکرد دولت‌محور و پیشرفت‌گرا که زمینه و واقعیت‌های عینی و انضمامی را نادیده می‌گیرد، ضمن اینکه نتوانسته است از اروپا‌محوری روایت اصلی بگریزد، به بازتولید آن در سطح دولت-ملت نیز کمک کرده است.

منشور کوروش نه مفهوم حقوق بشر و نه بنیان‌های فلسفی آن را که در مفهوم «کرامت ذاتی» شخص انسانی بیان می‌شود را شامل نمی‌شود.¹⁷ در واقع، «هیچ‌چیز در متن وجود ندارد که این مفهوم [حقوق بشر] را القا کند.»¹⁸ مفاد منشور، به‌سان مرمت معابد، بازگرداندن تبعیدیان و لغو کار اجباری فقط به جوامع خاص مربوط می‌شود و هرگز از بشریت به‌طور انتزاعی سخن نمی‌گوید. با وام‌گیری از موزهی بریتانیا به‌عنوان موزهی نگهدارندهی استوانه‌ی کوروش، در واقع مفهوم حقوق بشر «برای معاصران کوروش کاملاً بیگانه بوده است»¹⁹. سابقه‌ی تاریخی گسترده‌تر در حمایت از باور و تعهد کوروش به این مفاهیم نیز بسیار پراکنده و متناقض است. در واقع، کوروشی که به‌خاطر مدارا در بابل مورد ستایش قرار می‌گیرد، منابع دیگر خشونت لشکرکشی‌های وی از جمله در فتح ماد را به تصویر می‌کشند.²⁰ حتی با چشم‌پوشی از شک‌های جدی علمی در مورد

صحت ادعاهای منشور، سیاست بابلی کوروش، در بهترین حالت، «مسئله‌ای استراتژیک و مصلحتی و نه مسئله‌ای اصولی بود».²¹ مخلص کلام، درحالی‌که منشور کوروش ممکن است به‌عنوان نمودی از سیاست مدارای مذهبی قلمداد شود، هیچ پیوندی با هسته‌ی اصلی حقوق بشر مدرن، یعنی حقوق ذاتی، جهان‌شمول و غیرقابل سلب جملگی انسان‌ها ندارد.

در فقدان چنین ارتباطی، عطف به‌ماسبق کردن مفاهیم مدرن مانند حقوق بشر، برای توصیف اعلامیه‌ای که دو و نیم هزاره پیش، در بستر سیاست‌های امپراتوری و به‌منظور مشروعیت‌بخشیدن به این سیاست‌ها تدوین شده است، چنانچه مورخان مدت‌هاست اذعان می‌دارند، درکی نادرست²² است که در دام آن‌اکرونیسم²³ می‌افتد. برآیند اینکه، تکاپوی یونسکو برای ترویج درک متقابل و گفتگوی میان‌فرهنگی و تقویت جهان‌شمولی حقوق بشر، با ردیابی ریشه‌های باستانی آن در میان فرهنگ‌ها و تمدن‌های متنوع، در فقد هرگونه پیوند تاریخی واقعی، به آن‌اکرونیسم آلوده می‌شود. چنین رویکردی تاریخ را تحریف و سردرگمی ایجاد می‌کند.

ولو یونسکو در متن قطعنامه- با جایگزین کردن عبارت پیش‌نویس قطعنامه‌ی پیشنهادی ایران و تاجیکستان، یعنی «یکی از قدیمی‌ترین

بیان‌های مفهوم حقوق بشر» با عبارت بس محتاطانه‌تر «یکی از قدیمی‌ترین روایت‌هایی که اصولی که بعدها با حقوق بشر پیوند خوردند را تجسم می‌بخشد»- به طرز هوشمندانه‌ای از قلمدادکردن صریح استوانه به عنوان سندی حقوق بشری اجتناب ورزید، با این حال، کماکان باری حقوق بشری به آن نسبت داده است. خاصه، عنوان قطعنامه‌ی تصویب‌شده صراحتاً استوانه را به مثابه‌ی یک سند حقوق بشری معرفی می‌کند. این امر در تضاد مستقیم با مطالعات انجام‌شده به سفارش یونسکو پیرامون تفسیر میراث قرار می‌گیرد که خاطرنشان می‌کند «تفسیر باید اخلاقی و وفادار به ارزش‌های مکان و اصالت آن باشد. ... نیز مهم است که از معرفی آن‌اکنونیستی ایده‌ها و دیدگاه‌های امروزمین به توصیف‌های گذشته («حال‌گرایی») اجتناب شود و رویدادهای گذشته را در زمینه‌شان ارائه کرد»²⁴.

وانگهی، یونسکو اهتمام ورزیده است با دنبال کردن داستان تکامل حقوق بین‌الملل بشر فراتر از غرب، از اروپا محوری روایت غالب فاصله بگیرد. با این حال، با نادیده گرفتن اشکال غیرغربی امپریالیسم و شرق‌شناسی وارونه‌ی معاصر و پیشبرد این فرآیند در چارچوبی دولت‌محور، این منطق را در دیگر سطوح بازتولید کرده است. یونسکو با اعتباربخشیدن به روایت‌های ناسیونالیستی خاص و انحصارگرا از

تاریخ، زمینه را برای مهندسی تاریخ توسط این دولت‌ها، به‌عنوان ابزاری برای انکار، سرکوب و سلطه ملل اقلیت‌شده در درون مرزهایشان مهیا کرده است.

در مورد پیش‌رو، امپراتوری هخامنشی، کوروش، و استوانه‌ی وی به‌منزله‌ی تجسم ملموس آن، مؤلفه‌های مرکزی در ساخت یک روایت ناسیونالیستی انحصارگرا از تاریخ منطقه بوده‌اند که هویت مدرن ایرانی را به یک گذشته‌ی باستانی انسانی و مقدس پیوند می‌زند. این فرآیند کلاسیک‌سازی ملت، که هدف آن مشروعیت‌بخشیدن به هویت مدرن ایرانی است، به‌طور سازمان‌یافته، ملت‌های غیرفارس منطقه مانند کردها- به‌مثابه‌ی نوادگان ماده‌ها²⁵- را حذف و فرودست کرده و به‌عنوان ایدئولوژی توجیه‌کننده‌ی روابط مرکز-پیرامون در دولت مدرن ایرانی عمل کرده است²⁶.

با تصویب قطعنامه‌ای مبتنی بر خوانش این گفتمان انحصارگرا، یونسکو به یک روایت سیاسی-ایدئولوژیک خاص از یک گذشته‌ی عمیقاً مورد مناقشه مشروعیت‌نهادی بین‌المللی اعطا کرده است. در انجام این کار، او پروژه‌ی حال‌گرایانه‌ی یک دولت پساستعماری برای بازسازی ایدئولوژیک تاریخ منطقه به‌منظور مقدس‌سازی یک گذشته‌ی باستانی را تسهیل کرده که از طریق همان نهادهای بین‌المللی

پیگیری شده است که آن دولت مشروعیت جهان‌شمول ادعایی آن‌ها را به‌طور مداوم زیر سؤال می‌برد. درحالی‌که اسناد و مطالعات یونسکو، با تأکید بر تهدیدات همگن‌سازی، ناسیونالیسم تهاجمی و سرکوب فرهنگ‌های اقلیت در جهان هم‌روزگار،²⁷ خواستار احترام به تنوع فرهنگی هستند و بر لزوم شناخت و تفسیر میراث، با احترام به حساسیت‌های سایر کشورها و جوامع، و درک و به‌اشتراک‌گذاشتن ارزش‌ها و روایت‌های متعدد و بالقوه متضاد مرتبط با میراث تأکید می‌ورزند.²⁸

دستورالعمل‌های عملیاتی یونسکو برای اجرای کنوانسیون میراث جهانی ۱۹۷۲²⁹، فرآیندی ساختاریافته و مبتنی بر معیار را ایجاد می‌کنند که برای تضمین بی‌طرفی علمی و جلوگیری از سیاسی‌شدن به رسمیت‌شناختن میراث جهانی طراحی شده است. گرچه با توجه به کاستی‌های آن³⁰، نمی‌توان گفت که این فرآیند در نیل به اهدافش کاملاً موفق بوده است، لیک چنین رویه‌ای باید- با چیرگی بر این کاستی‌ها- به‌طریق اولی هرگونه انتساب اعتبار حقوق بشری معاصر به یک اثر باستانی را کنترل کند؛ الزامی که اگر وجود می‌داشت و رعایت می‌شد، می‌توانست مانع از تصویب قطعنامه‌ی نوامبر 2025 یونسکو به این شکل شود.

نتیجه گیری

قطعه‌نامه‌ی یونسکو نمونه‌ای از یک شکل عمیقاً مورد مناقشه از حال‌گرایی در تاریخ‌نگاری حقوق بین‌الملل است که در پی جهان‌شمول کردن حقوق بین‌الملل بشر با عطف به ماسبق کردن آنارونیستی مفاهیم مدرن حقوق بشر به گذشته‌ی باستانی فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف است. صرف ارائه‌ی یک سند باستانی شرقی به عنوان تأیید یا تفسیر گفتمان حقوق بشر مبتنی بر فردگرایی لیبرال غربی، نه تنها منجر به گذار از اروپامحوری این گفتمان نمی‌شود، بلکه این منطق سلطه و عدم تقارن قدرت را بازتولید می‌کند. نیل به این هدف مستلزم اهتمام عمیق‌تری جهت نزدیک کردن دیدگاه‌های متنوع در سراسر جهان در این زمینه به یکدیگر است. به هر روی، تعامل یونسکو با سویه‌های حقوق بشری میراث فرهنگی و پیگیری جهان‌شمولی آن، برای اجتناب از چالش‌های سرگفت، باید با اجتناب از آنارونیسم و جلوگیری از مصادره‌ی این فرآیند توسط گفتمان‌های انحصارگرا و تمامیت‌خواه پیش برده شود. در فضای دولت‌محور نظم حقوقی بین‌المللی، یک گام عملی در این جهت، تأسیس هیئت‌های کارشناسی مستقل است که وظیفه‌ی بررسی پیش‌نویس قطعه‌نامه‌های مربوط به میراث باستانی را پیش از رأی‌گیری بر عهده داشته باشند؛

چنین سازوکاری می‌تواند ریسک‌های توصیف‌شده‌ی بالا را به‌طرز
درخور نگرشی کاهش دهد.

¹UNESCO. Report of the Social and Human Sciences Commission (SHS). Doc. 43 C/73, 8, November 10, 2025. Accessed December 16, 2025. <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000396356?posInSet=1&queryId=c1be264b-cece-45c8-a63e-cd65fec180fe>.

²Constitution of the United Nations Educational Scientific and Cultural Organization. *November 16, 1945*. (Entered into Force, November 4 1946). 4 U.N.T.S. 275.

³Mitchell, T. C. *Biblical Archaeology: Documents From The British Museum*, 2nd ed. Cambridge & New York: Cambridge University Press, 1988, 83 and Daniel, Elton L. *The History of Iran*. Westport, Conn.: Greenwood Press, 2001, 39.

⁴Kuhrt, Amélie. "Cyrus the Great of Persia: Images and Realities." in *Representations of Political Power: Case Histories from Times of Change and Dissolving Order in the Ancient Near East*, Edited by Marlies Heinz and Marian H. Feldman. Winona Lake: Eisenbrauns, 2007, 174-175.

⁵Arnold, Bill T. and Michalowski, Piotr. "Achaemenid Period Historical Texts Concernina Mesopotamia." in *The Ancient Near East: Historical Sources In Translation*, Edited by Mark W. Chavalas. Malden & Oxford: Blackwell Pub., 428; Wiesehöfer, Josef. *Ancient Persia: from 550 BC to 650 AD*. London & New York: I.B. Tauris, 2001, 103, and Olmstead, A.t. *History of The Persian Empire*. Chicago & London: Phoenix Books, The University of Chicago Press, 1948, 52.

⁶Wiesehöfer. *Ancient Persia*, 49.

⁷Daniel. *The History of Iran*, 39.

⁸United Nations. “Replica of “Edict of Cyrus”.” United Nations Gifts, Accessed December 16, 2025. <https://www.un.org/ungifts/replica-edict-cyrus>.

⁹Ebadi, Shirin. “Nobel Prize lecture.” The Nobel Prize, December 10, 2003. Accessed December 16, 2025. <https://www.nobelprize.org/prizes/peace/2003/ebadi/lecture/>.

¹⁰United Nations. “Replica of “Edict of Cyrus”.”

¹¹ibid.

¹²United Nations, “Iran Presents Replica of Ancient Edict to United Nations,” UN Photo. Accessed December 16, 2025. <https://media.un.org/photo/en/asset/oun7/oun7678972>.

¹³United Nations. “Replica of “Edict of Cyrus”.”

¹⁴UNESCO. Report of the Social and Human Sciences Commission (SHS).

¹⁵UNESCO. “Cyrus Cylinder: An Early Charter of Human Rights and Cultural Diversity.” 43 C/52. October 20, 2025. Accessed December 16, 2025. <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000396092?posInSet=3&queryId=f0c291ea-f0c7-4140-80c9-1824748ad33d>.

¹⁶Rasilla, Ignacio de la. International Law and History: Modern Interfaces. of Cambridge Studies in International and Comparative Law. Cambridge: Cambridge University Press, 2021.

¹⁷See United Nations General Assembly. Universal Declaration of Human Rights (UDHR). Resolution 217A (III), UN Doc. A/RES/217(III). December 10, 1948, preamble; The International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR). December 19, 1966. (Entered into Force 23 March 1976). 999 U.N.T.S. 171, preamble, and The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR). December 19, 1966. (Entered into Force 3 January 1976). 993 U.N.T.S. 3, preamble.

¹⁸Llewellyn-Jonesin, Lloyd. “The First Persian Empire 550-330 BC.” in The Great Empires of the Ancient World, Edited by Thomas Harrison. Los Angeles, Calif. : J. Paul Getty Museum, 104.

¹⁹British Museum. "Cyrus Cylinder." Accessed December 16, 2025. https://www.britishmuseum.org/collection/object/W_1880-0617-1941.

²⁰Wiesehöfer. *Ancient Persia*, 49.

²¹Chua, Amy. *Day of Empire: How Hyperpowers Rise to Global Dominance--and Why They Fall*. New York: Anchor Books, 200, 11.

²²Mitchell. *Biblical Archaeology*, 83.

²³Daniel. *The History of Iran*, 39 and Adamjee, Qamar. Cited in Cyrus Musiker. "Oldest Known Charter of Human Rights Comes to San Francisco." KQED. August 13, 2013. Accessed December 16, 2025.

<https://web.archive.org/web/20130922152858/http://www.kqed.org/arts/visualarts/article.jsp?essid=124632>.

²⁴International Coalition of Sites of Conscience. "Interpretation of Sites of Memory." January 31, 2018. Accessed December 16, 2025, para. 72.

<https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://whc.unesco.org/document/194925&ved=2ahUKEwiKpfXe77qRAxXk9LsIHdmYJagQFnoECBEQAQ&usg=AOvVaw0SgsTXPbhrqcZFrD37vdmG>.

²⁵See e.g. Qaderi, Heresh Zakaria. *Iranian Political Ration and Kurdish Identity Search: Kurd, Iran and History*. N.p.: Amazon Publication USA, 2020.

²⁶See e.g. Soleimani, Kamal and Mohammadpour, Ahmad. "Can Non-Persians Speak? The Sovereign's Narration of "Iranian Identity"." *Ethnicities*, Volume 19, Number 5 (2019): 925-947.

²⁷UNESCO. "The Nara Document on Authenticity." Doc. WHC-94/CONF.003/INF.008, preamble. Accessed December 16, 2025. <https://whc.unesco.org/archive/nara94.htm>.

²⁸See e.g. *ibid* and International Coalition of Sites of Conscience. "Interpretation of Sites of Memory." 16-17.

²⁹Intergovernmental Committee for the Protection of the World Cultural and Natural Heritage. *Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention*. Doc.

WHC.25/01. July 16, 2025. Accessed December 16, 2025.
<https://whc.unesco.org/en/guidelines/>.

³⁰Maurel, Chloé. “Whose World Heritage? The problem with UNESCO’s famous list.” Equal Times, July 20, 2017. Accessed December 16, 2025. <https://www.equaltimes.org/whose-world-heritage-the-problem>.



<https://govarikomar.org>